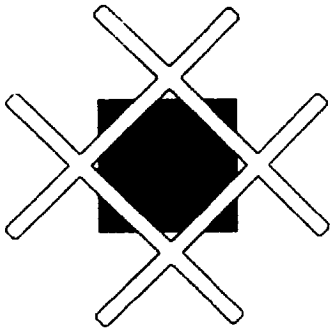


«به نام آفریدگار خرد»

۳۳۲۳۲

۱۶ / ۹ / ۱۳۷۹

رساله نهایی کارشناسی ارشد معماری
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمان



باززنده‌سازی چله‌خانه و فضاهای پیرامون بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی

دکتر مجتبی‌رضا زاده اردبیلی

مزدانوبوری

بهار ۱۳۷۹

استاد راهنما

ارائه دهنده

تاریخ ارائه

۸۹۰۰

۳۳۲۳۲

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته معماری

موضوع: باز زنده سازی چله خانه و فضاهاى پیرامون بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی

ارائه دهنده: مزدا نوبری

این پایان نامه در تاریخ ۷۹/۳/۱۷ در مقابل هیئت داوران ارائه گردیده و از آن دفاع به عمل آمده و مورد تصویب قرار گرفته است.

اعضاء هیئت داوران:

استاد راهنما: دکتر مجتبی رضازاده اردبیلی رضازاده

داور: دکتر محمد منصور فلامکی منصور

داور: دکتر منوچهر مزینی مزینی

داور: دکتر هما ایرانی بهبهانی ایرانی

معاون آموزشی دانشگاه:

مجید غلامحسین پور

سرپرست دانشگاه:

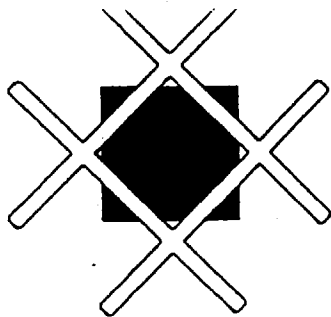
محمد حسین متقی

مدیر گروه آموزش کارشناسی ارشد:

رویا مرادی

سرپرست تحصیلات تکمیلی:

محمد حسین متقی



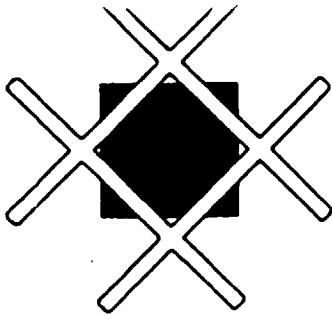
بناهای تاریخی میراث فرهنگ و یادگار خرد جمعی بشر در گذر تاریخ هستند، و در شناخت پشته‌ها فرهنگی ملتها، آنان را بکار می‌آیند. از این رو پدید آوردن امکانی مناسب برای دریافت و شناخت بناهای تاریخی امری بدیهی است. بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی یکی از این مجموعه بناهاست که به علت شکل‌گیری در دورانی که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی از نقاط عطف تاریخ ایران به شمار می‌روند، حائز اهمیت جدی جهت شناخت و دریافت ظرایفش می‌باشد.

اما در بازشناسی هر معماری ناگزیر از درک تفکر پدید آورنده آن معماری می‌باشیم. که در این رساله نخستین گام حرکت است. شناخت عرفان و سپس تصوف اسلامی به عنوان اولین نحله فکری بنیانگذار این مجموعه بناها و دقت در آداب و مناسک زهد و آئین‌های ریاضت و چله نشینی و همچنین دریافت فضای معماری لازم جهت ادای این آئین از هر جهت، دست‌آورد مطالعات این فصل می‌باشد.

پس از آن به بازشناسی هنر و معماری از خاستگاه عرفان پرداخته‌ایم تا بتوان وجوه شاخص هنر و معماری تنیده با این اندیشه را خوب شناخت و تطبیق آنها با صورتهای هنری بکار رفته در معماری بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به دقت انجام شود.

در مسیر حرکت خود، از این پس بر پهنه شهر اردبیل و بازشناسی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن تأکید کرده و نیز ضمن شناخت بافت شهری اردبیل، آن را به عنوان دامنه‌ای که بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر آن نشسته است، از گذشته تا به امروز، از نظر گذرانده‌ایم. از همین راه در فصلی جداگانه به تفصیل و با نگاهی ژرف به بازشناسی خود بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌رسیم و جزء جزء آن را از تاریخ تا معماری می‌شناسیم.

پس از تکمیل اندوخته دانش خود از این بستر، در فصل بعد نگاهی دیگر خواهیم داشت بر مبانی نظری باززنده سازی بناهای تاریخی. در این فصل ضمن گذری بر سیر تکوین این مبانی، دریافت و نگاه خود را از آن مطرح نموده و در واقع این فصل بطور مجرد بیان یک تئوری از استنتاج شناخت تئوری‌های مطرح شده پیشین می‌باشد و در سایه آن طراحی معماری ما شکل یافته و پیش می‌رود. در فصل آخر ضمن آنکه ایده‌ها و تئوری‌های معماری مطرح می‌شود - که همگی بر پایه دریافت و درک بنای تاریخی از پشت شیشه زمانه حال است - خطوط معماری ترسیم شده را سامان داده و بصورت مدارک تصویری معرفی کرده‌ایم.



**Restoration of Chilla, Khana and its surrounding spaces in the tomb of
Sheikh- Safi, Aldin - e - Ardabili**

* * *

As one of the most important remains of human wisdom and his achievements through history ; architectural spaces and historical buildings, give us a brilliant view to know the backgrounds of different people and their cultures. Therefore, opening the doors to those remainings, would make it possible to gain a deeper knowledge of a specific culture.

The tomb of Sheikh - Safi, Aldin - e - Ardabili is one of those building which according to its specific period of time in Iran's history - which is a turning point in Cultural and social aspects - seems to gain so much of importance and deserves a special notice.

To reach a better understanding of architectural points of a building, however, we have to care about the basic elements which had took the architect to build the building the way it is. So, the first step in Hiys thesis is to get to know Gnosticism and Islamic Sufism as the basic thought in building also, to be more specific, I have noticed the manners of mortification and the necessities which it puts on its relevant spaces.

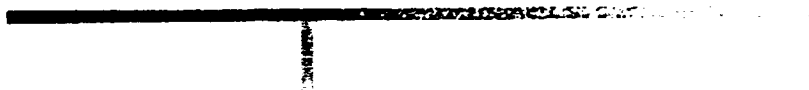
The second step was to reconsider the art and architecture which are derived from Gnosticism. So that, we can have a better view of those important aspects that have influenced these works of art as a whole and particularly the tomb of Sheikh - Safi, Aldin - e - Ardabili.

Next, I set my view on the city of Ardabil , and its Social, Cultural and historical features. also, have noticed the city as a context for the tomb during the past and present time .

After that, I zoomed specially on the tomb itself, and tried to study every part of it with its historical and architectural characteristics.

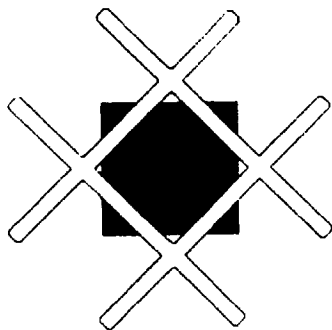
As the next step, I had a review of the theories on restoration of historical buildings, and through it I completed and conveyed my own view of restoration from which my basis of design has been derived.

And as the last part, introducing the main ideas of design - which are based upon viewing the monument through the window of the present time - the architectural answers to this special problem of restoring, have been offered in documents.



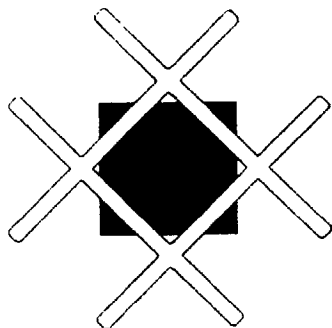
هر چه گویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم خجل گردم از آن

به مهر و ماه جهانم
مادرم ، پدرم



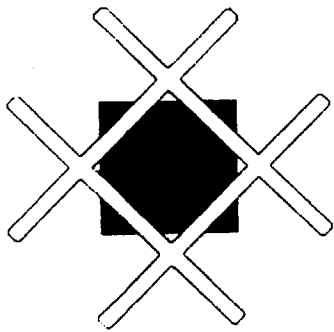
فهرست

- پیش درآمد ۱
- درآمد ۳
- نمط یک - چستی عرفان و مناسک زهد ۹
- ۱-۱: قلمرو عرفان ۱۱
- ۱-۲: حکمت صوفیه ۳۴
- ۱-۳: آداب تصوف و مفاک زهد ۵۸
- ۱-۳-۱: وجوه سه‌گانه سلوک آیین، احسان و کیمیای سعادت ۵۹
- ۱-۳-۲: آیین‌ها و مناسک زهد ۶۸
- ۱-۳-۳: چله نشینی در خانقاه ۷۴
- ۱-۳-۴: گفتار مشایخ طریقت در باب آداب چله نشینی ۷۹
- نمط دو - هنر و معماری از خاستگاه عرفان ۱۰۲
- ۲-۱: هنر در عرفان و اندیشه الهی ۱۰۴
- ۲-۲: رمزشناسی اعداد و حروف در هنر مقدس ۱۱۳
- ۲-۳: پرسپکتیو و جلوه‌گاه اشیاء در ادراکات توحیدی ۱۲۵
- ۲-۴: جلوه تهی در هنر اسلامی ۱۳۵



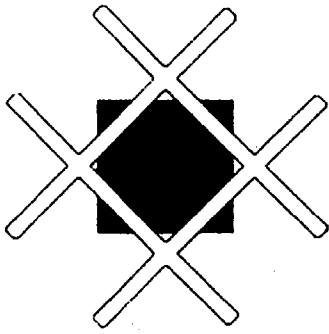
باززنده‌سازی چله‌خانه و فضاهای پیرامون بقعه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی

- ۱۴۲ ۲-۵: نگاهی بر نمونه‌های معماری برخاسته از تفکر عرفانی در ایران
- ۱۵۰ نمط سه - ادبیل
- ۱۵۳ ۱-۳: مطالعات تاریخی
- ۱۵۷ ۳-۱-۱: اردبیل در گذر تاریخ
- ۱۷۰ ۳-۲: مطالعات فرهنگی - مذهبی
- ۱۷۳ ۳-۳: مطالعات اجتماعی - اقتصادی
- ۱۷۵ ۳-۴: مطالعات جغرافیایی و اقلیمی
- ۱۷۹ ۳-۵: بررسی نظام فیزیکی و ساخت کالبدی شهر
- ۱۸۳ ۳-۵-۱: تعاریف و ساختمان محله در اردبیل
- ۱۸۷ ۳-۶: دیگر بناهای تاریخی اردبیل
- ۲۰۰ نمط چهار - بقعه شیخ صافی‌الدین اردبیلی
- ۲۰۳ ۴-۱: شیخ صافی‌الدین و خاندانش
- ۲۲۶ ۴-۲: بازنگری تاریخی بقعه
- ۲۲۷ ۴-۲-۱: سند صریح‌الملک
- ۲۳۸ ۴-۲-۲: گزارش مورتون
- ۲۴۰ ۴-۲-۳: بقعه شیخ صافی‌الدین از نظر اوله آریوس
- ۲۴۶ ۴-۲-۴: گزارش فردریش‌زاره
- ۲۴۷ ۴-۲-۵: خوانش کتیبه‌های مجموعه
- ۲۵۱ ۴-۳: بقعه شیخ صافی‌الدین اردبیلی در زمان حال



باززنده‌سازی چله‌خانه و فضاهای پیرامون بقعه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی

- نمط پنج - نگاهی دوباره بر مبانی باززنده‌سازی بناهای تاریخی ۲۶۸
- نمط شش - طراحی معماری باززنده‌سازی چله‌خانه و فضاهای پیرامون بقعه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی ۲۷۶
- ۱-۶: بازشناسی بقعه در مقیاس شهری - محله‌ای ۲۷۹
- ۲-۶: بازشناسی حوزه‌های عملکردی ۲۸۹
- ۳-۶: بیان تولد ایده‌های طراحی و شکل‌گیری نظام هندسی و مدارک معماری طرح ۲۹۲
- نمط هفت - ختام ۳۱۱
- کتابشناسی ۳۱۳



پیش درآمد

پژواک نوای نای سحرآمیزی را از کودکی در جان می‌شنوم که ترانه‌های آبی - طلایی فضا را مدام می‌نوازد و می‌کشاندم چون آواز مرغان دریایی به دهکده‌ی رویایی آگاهی، آگاهی و تب‌ناکی یافتن.

دلربا معماری با دامنی تا کوهسار معرفت پیایی نواخته از بند بند این نی و کشاننده مرا اینجا تا رخصت دهد که بخوانم عریضه‌ی تمنایی خویشتن را، تمنایی آگاهی.

اینک که عهد شباب چون شب لایه لایه مه به آموختن معماری گذشت، زهی شادمانم از این رخصت. زهی شادمان که در پیشگاه بلندپایگان معماری اجازت یابم تا عرض مشتاقی کنم.

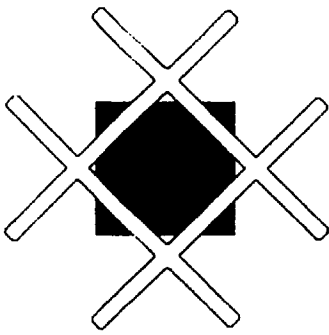
”پر اشتیاقم به معماری و کامیابی از ورطه‌های نادره‌اش!“

مشتاق معماری و خطهای سرکشیده چون باد و کاوش خردمندی هندسه، غزل بازی پنجره‌ها و شعر نور، صف‌آرایی قشون سنگ در عزم جزم دیوارها و دیگر و دیگرها تا رمز فضا که راز جهان است.

جادوی پرسپکتیو و پرسپکتیوهای جادویی که در تداخل بی حد خط و صفحه همیشه جادویم می‌کنند. به یاد می‌آورم تصویر کوچک پرسپکتیوی در یکی از کتابهای استاد گرانمایه دکتر منصور فلامکی، در آغاز طلبگی معماری‌ام، توفانی آسیمه بر طپش قلبم افکند و طعم این طپش را خوب چشیده‌ام و کیمیای پرسپکتیو را که زر می‌کند زنگار دلم.

دوران طلبگی‌ام را در دانشکده‌ی معماری به یاد می‌آورم و دلم تنگ می‌شود برای طراحی در دل شب و طراری قلم بر سفیدی کاغذ. دلم تنگ می‌شود برای صورتهای ملتهب از خستگی و چشمان ورم‌کرده از بی‌خوابی و همه‌ی آنچه آورده مرا با نوای آن نی سحرآمیز تا حکایت رساله‌ی نهایی و موضوعی به غایت جذاب، مثل حس غریب دست کشیدن بر اسطوره‌ی دیواری کهنه و نه از سر دل‌تنگی‌های گذشته که از شرار کنجکاوای در کشف معرفت اکنون و آینده.

کاوش در معماری زمانه‌ی پشت سر به قصد معرفت بر داشته‌ها و دیدن برق تابناک بایدها.



بر این باورم که دیگر دغدغه انسان امروز بودن یا نبودن نیست که سوار بر آنچه - خواسته یا ناخواسته - بوده‌ایم، شک ما در شدن یا نشدن ماست. درک بناهای تاریخی کمند از آنچه بوده‌ایم می‌کشد و شک شدن یا نشدن را می‌آغازد که پایانش بی شک ایمان است و فرزاتگی.

پس گشایی اولین پرده‌ی پر راز این شب مه غباری را مدیون استاد راهنمای ارجمندم دکتر مجتبی رضازاده اردبیلی هستم. که با اعتماد بزرگوارانه‌اش به من اجازه‌ی سفرم داد و کج و پیچ جاده‌ام را هموار کرد. دکتر رضازاده استاد گرانقدرم که تا ذکر نامش نکنم هر چه از خود دارم بی اعتبار است. چون ذکر دیگر استادانم که اگر نام یکایکشان را نمی‌برم اما حق‌گزار جاویدان آموزه‌هایشان هستم به سان همه‌ی کسانی که به خطی، قلمی، و یا سخنی به آموخته‌های معماری من افزوده‌اند. به جان خاکسارم بر ایشان.

مشعوفم از بزرگواریهای نویسنده‌ی ارجمند "هرمز ریاحی" که الطافش مشتکی از خنکای چشمه‌ی بیداری بود بر صورت اندیشه‌ام.

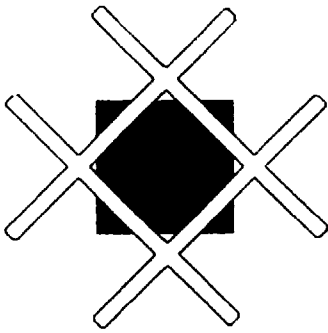
سپاسگزارم از مدیران ارجمند گروه معماری دانشکده‌های کرمان و مشهد خانم مهندس مرادی و خانم مهندس آقاریبع که با الطاف خود دغدغه‌های به انجام رساندن این رساله را بزرگوارانه از پیش پایم برداشتند. با ذکر دوباره حق‌گزار و خاکسارم به آستان پدر و مادر عزیزم که مثل گل نرگس نگران سرمای زمهریرم بودند و آب زنان روزگار بهارم و مشعوفم از همراهی آرام و بی ادعای خواهر دردانه‌ام.

مدیونم به مهربانی دوست نازنینی که برادرانه در کنارم بود و سایه و آفتاب این مسیر را همراهی‌ام کرد و آن دوست در غربتی که مهربانی‌اش را مدام در یک نی لیک چوبی می‌نواخت.

و همه‌ی یاران عزیزم که منت‌گزار همت عالی و لطف بی دریغشان هستم. نه انتهای این نوشتار که نفسم بر نمی‌آید اگر یاد نکنم از پیر فرزانه‌ای که نفس از برکت انفاس او می‌کشم.

"حبیب الله بیگناه" استاد یگانه‌ام که نه این مجموعه‌ی کم بها، سر و جان کم بهاترم پیشکش اوست.

او آن نای سحرآمیز را نواختن آموخته‌است.



درآمد

بناهای تاریخی میراث فرهنگ و میزان خردمندی هر ملتی هستند، که در شناخت محتوم تاریخ، همه ملت‌ها را بکار می‌آیند. چرا که معماری، ناگزیر، فرزند خَلْفِ زمانه خویش است. تحجر یا فراروی هر ملتی، میزان درک و دریافت آنان از اندیشه جاری در جهان و حتی جایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان، ناخودآگاه در معماری زمانه‌شان بازتاب می‌کند. بازتابی که به هیچ روی از رویداد آن گریز نیست.

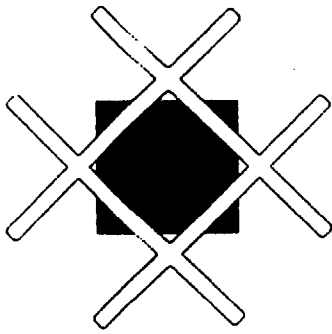
این آیین زلال - معماری - مرجعی معتبر در شناخت سطح فرهنگی و شعوری مردمان معاصر خویش است.

هیچ شکی وجود ندارد که آدمیان در تعالی خرد خویش تا چه اندازه به ارزیابی و آگاهی بر مسیر به پشت گذاشته خود نیازمندند. دریافت آنچه در گذشته بوده‌ایم و آنچه از خود به جای گذاشته‌ایم همواره بضاعت و استعداد‌های فرهنگی اقوام را آشکار می‌کند و از این طریق می‌توان ترسیم آینده نمود.

بازنگری به گذشته و آثار هنری و فرهنگی به جای مانده گاهی از سردلتنگی و غربت بر هر آنچه از دست نهاده‌ایم صورت می‌گیرد و قبل از دریافت و سنجش میزان فرهیختگی آن یادگار، بصورت عنصری بی‌عیب و نقص ستایش می‌شود. این شیوه نه مبنای گفته‌هایی است که بیشتر گفتیم و نه می‌تواند در تعالی خردورزی آدمیان مفید باشد. چرا که تنها بندهای بسته اندیشه آدمیان را در قالب‌های محدود محکم می‌کند و مجال پویایی او را می‌ستاند.

منظور از آنچه ذکر شد نگاهی آگاهنده و خردپرور به گذشته است.

این نگاه آگاهنده جز به وسیله ابزاری از جنس زمان و تپنده در قلب امروز، صورت نمی‌گیرد و بی‌گمان هر نگرشی که از پشت پنجره معرفت اکنونی آدمیان نباشد، صیقل نیافته، کدر و دارای نقاط کور بسیار است. این پنجره و چگونگی آن و اینکه زاویه نگاهمان به میراث فرهنگی چون باشد، مسأله ماست. وگرنه هیچ ذهن



اندیشمندی در بایستگی دریافت میراث گذشته آنهم از پشت شیشه‌ی زمانه معاصر خویش شکی ندارد. دریافت بناهای تاریخی نیز از گفته بالا مستثنی نیست چراکه شناخت از معماری گذشته تنها از نگاهی آگاه و در زمان، مفید و میسر است.

با توجه به آنچه گفته شد دغدغه برخورد با موضوع رساله حاضر عیان می‌گردد، اینکه نگاهی از شیشه‌ی زمان داشته باشیم بر بنای تاریخی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. نگاهی از سر شعور امروز به قصد آگاهی و دریافت بیشتر از اندوخته معماری و فرهنگی مان.

این حرکت را از چند مسیر موازی آغاز نمودیم و هر کدام را تا انتها پیموده و نتایج آنها را کنار هم آوردیم. این مسیرهای موازی به سه بخش قابل تقسیم هستند:

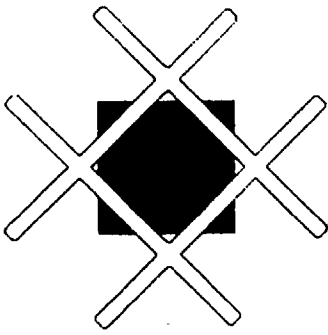
مسیر اول: شناخت اندیشه، ایدئولوژی و بنیان فکری حاکم بر ایجاد معماری به عنوان بستر ماهوی زاینده بنا.

مسیر دوم: شناخت محیط و بستر فیزیکی زاینده بنا

مسیر سوم: شناخت دقیق آنچه بر این معماری گذشته و آنچه هست و بیان آنچه از نگاه امروز می‌تواند و یا باید باشد.

هر کدام این مسیرها را به دقت کاویدیم و آنها را به بخشهای جزء‌تر و دقیق‌تری تفکیک نمودیم تا بتوان نتیجه نهایی را برداشت کرد.

اولین دشواری چنین رفتاری در این مسیر، حرکت همزمان و موازی ما بود که اینک مجبوریم در کاغذهای پیاپی این رساله آنها را به صورت مسلسل بیاوریم که ممکن است ذهنیت را گسسته کند. به همین دلیل شمارش یک تا سه ذکر شده مسیرها را پالوده‌ترین ترتیب یافتیم و ابتدا نگاهی به بستر ماهوی زاینده بنا را می‌نمائیم: هر اثر هنری و هر معماری، درگیر با اندیشه و تفکر سازندگان آن است اما گاهی این اندیشه چندان پورنگ می‌شود که اثر به خدمت اندیشه و صرفاً وسیله‌ای جهت بیان و ارائه آن اندیشه می‌پردازد. بر این باورم که بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از این دسته است. که البته این نکته از نتایج همان حرکت موازی است. اینک هیچ

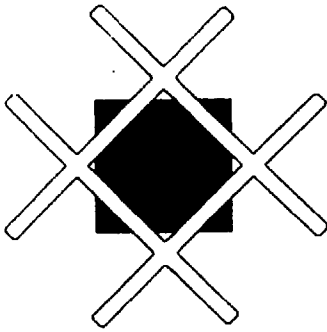


غفلت و نادانی از چند و چون این اندیشه جایز نیست. می‌بایست اندیشه حاکم بر پدید آمدن این معماری را که همان تفکر عرفانی و آئین تصوف اسلامی است را خوب شناخت و قلمرو و ظرایف آنرا خوب فهمید. در سایه این شناخت اکسپرسیون فضا و کاربری‌های آن خوش رنگ‌تر و گویاتر گشتند. به موازات شناخت قلمرو عرفان مطابقت با نمونه‌های دیگر، در جهت دریافت بهتر بنا کمکی شایان نمود و حتی پاسخگویی عملکردی فضاها را عمیق‌تر شناساند اما پس از آگاهی از قلمرو و چیستی عرفان و تصوف اسلامی نیاز دیگری آشکار شد و آن بازتاب این اندیشه در هنر و معماری بود. رموز و ظرایف این اندیشه در جان هنرهای برخاسته از آن و یا در خدمت آن رکنی جدی و تعیین‌کننده‌اند، چندان جدی و با اهمیت که لازمه‌گشودن فصلی دیگر در مطالعات گشتند تا به بررسی هنر و معماری از خاستگاه عرفان و اندیشه توحیدی بپردازیم. اهمیت و توجه به زمان و مکان که به اعتقاد نگارنده از جان مایه‌های معماری است در دیدگاه توحیدی و تصوف اسلامی جایگاهی ویژه دارد که پرداختن به آن را واجب می‌سازد. معماری برخاسته از این تفکر ویژگی‌های بسیاری دارد که در شناخت آنها و در بررسی نمونه‌های متعدد از آنها باید به رموزش پی برد. که در مسیر مطالعاتی این رساله به دقت انجام گرفته است.

این بررسی با قلمرویی که از گسترش اندیشه عرفانی در فصل اول بیان شده است، راهنمایی گشته و نمونه‌های بیشماری از معماری عرفانی سرزمینهای مختلف از غرب تا شرق کاویده شده و آنچه در انتهای فصل دوم آمده است تنها تعداد اندکی است که به لحاظ مرزبندی جغرافیایی به بقعه شیخ‌صفی‌الدین نزدیک‌تر هستند. اما چه بسا نکته‌های ارزشمندی که در این راه از معماری خاور دور، معابد بودایی و برهمنی، معماری قرون هفتم تا نهم سمرقند و بخارا و آن ناحیه تا کلیساهای دوران مختلف بیست قرن گذشته میلادی، آموخته و یافته‌ام.

آنچه ذکر شد مختصری از اولین مسیری بود که در مطالعات این رساله طی شد.

مسیر دوم بازشناسی بستر فیزیکی زاینده بقعه شیخ‌صفی‌الدین بود که مطالعاتی بر روی شهر اردبیل طلب می‌کرد، شناخت اردبیل - زادگاه این بقعه - به لحاظ بررسی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیازها



و کمبودها و سپس قابلیت‌هایش تا رسیدن به شهری که یکی از میراث ارزشمند معماری گذشته را در خود جای داده است به دقت صورت گرفته است و بخش مهمی از این بررسی بر مطالعات تاریخی اردبیل متمرکز بوده است. که توضیح نکته‌ای لازم دارد:

شناخت هر بنای تاریخی باید آنچه را در طول زمان بر او و زادگاهش گذشته است را خوب بداند و این امر میسر نیست جز در سایه کاویدن گزارشها و آثاری که پیشینیان از اردبیل به جای گذاشته‌اند. در این راه بیش از دهها جلد سفرنامه و گزارش مورد مطالعه قرار گرفت که یادگاری از حضور مستشرقین و جهانگردان در اردبیل داشت و هم تعداد زیادی سفرنامه و مطلب پیرامون بازدید این افراد از خود بقعه که همگی به دقت بررسی و مطالعه شد. نکته قابل ذکر این است که شاید در نگاه اول حجم گزارشی که از این بررسی ارائه شده است هم در بخش مطالعات تاریخی اردبیل و هم در بخش گزارشهایی که از بقعه نگاشته شده است در مقیاس معمول رساله نگنجد ولی باید گفت که اولاً این گزیده‌ای مختصر شده از این مطالعات است و مهمتر اینکه در مسیر مطالعات، اعتقادی جدی و به دقت در این امر داشته‌ام. بر این باورم که هیچ بنای تاریخی بی نیاز از بررسی آنچه بر او در طول سالیان گذشته نیست، و لازمه آن بررسی کوچکترین آثاری است که ردپای تاریخی اردبیل و بقعه را بنمایاند.

به جرأت می‌توان گفت که تمام شواهد، تصاویر و گزارشهایی را که پیرامون بقعه شیخ صافی‌الدین در زمانهای پیش مطلبی در خود داشته‌اند را ریز به ریز دیده، مطالعه کرده و کاویده‌ام که لازم است اینجا از همه کسانی که در گردآوری این آثار همراهی‌ام کرده‌اند سپاسگزاری نمایم.

شناخت یک بنای تاریخی مثل تصحیح یک متن کهن که نیاز به گردآوری و بعد مطابقت خط به خط همه نسخ موجود از آن متن دارد، باید با مطابقت لحظه به لحظه همه گزارشها و آثار بجای مانده در طول زمان انجام پذیرد. در این راه برحسب تقسیم بندی زمانی تمام گزارشها را مقابل گذاشته‌ام و آنها را با یکدیگر مطابقت داده‌ام، اگرچه اندکی حجم رساله را از حد معمول و عادت یافته افزایش داده است ولی اعتقادی جدی به لزوم آن دارم و تصورم بر این است که رفتار بازنشاسانه، بدون حضور دقیق این بخش ناقص و علیل است.